

Factors Affecting the Transformation of Iranian Higher Education System in the Field of Liberal Arts

Saadat Choubtashani*

M. A. in Public Administration, Ilam University, Ilam, Iran

Ali Yassini

Associate Professor, Department of Management, Ilam University, Ilam, Iran

Zeinab Toulabi

Associate Professor, Department of Management, Ilam University, Ilam, Iran

Abstract

The purpose of this research was to identify the micro and macro occasions of the Iranian higher education system in the field of liberal arts. The mixed research method was exploratory which in the qualitative stage was from the content analysis method and in the quantitative stage was from the structural equations. The statistical population consisted of experts on the transformation of the Iranian higher education system that using targeted sampling and snowball, 214 elites in the field of higher education of Kermanshah universities were selected as the sample size by stratified sampling. The research tool was a semi-structured interview and a researcher-made questionnaire. Content was used to assess the validity and Cronbach's alpha coefficient was used for the reliability of the questionnaire. The statistical method in the quantitative stage was the modeling of structural equations. Findings showed that the macro occasions of transformation include capital, development, cultural, environmental and motivational factors, and the micro occasions of transformation include: freedom of thought, information updating, skilled knowledge force, knowledge marketing, knowledge commercialization, knowledge transfer, knowledge development, strong cultural knowledge building, knowledge value creation, strengthening knowledge culturalization, research-oriented, scientific competition, knowledge conceptualization, scientific encouragement, quality of knowledge services and knowledge support.

Keywords: Transformation of Higher Education System, Transformation of liberal arts, Transformation.

*Corresponding Author: Schoobtashani@yahoo.com

How to Cite: Choubtashani, S., Yassini, A., & Toulabi, Z., (2022). Factors Affecting the Transformation of Iranian Higher Education System in the Field of Liberal Arts. *Quarterly of Research on Educational Leadership and Management*, 6(21), 7-37. doi: 10.22054/jrlat.2022.14035

عوامل مؤثر بر تحول آفرینی نظام آموزش عالی ایران در حوزه آموزش علوم انسانی

سعادت چوبتاشانی*

کارشناسی ارشد گروه مدیریت دولتی، دانشگاه ایلام، ایلام، ایران.

علی یاسینی

دانشیار گروه مدیریت، دانشگاه ایلام، ایلام، ایران.

زینب طولابی

دانشیار گروه مدیریت، دانشگاه ایلام، ایلام، ایران.

چکیده

این پژوهش با هدف شناسایی الزامات خرد و کلان تحول آفرینی نظام آموزش عالی ایران در حوزه آموزش علوم انسانی انجام شد. روش تحقیق آمیخته اکتشافی بود که در مرحله کیفی، از روش تحلیل محتوا و در مرحله کمی معادلات ساختاری بوده است. جامعه آماری خبرگان و آگاهان تحول آفرینی نظام آموزش عالی ایران می‌باشند که با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند و گلوله برفی ۲۱۴ نفر از نخبگان حوزه آموزش عالی دانشگاه‌های شهر کرمانشاه به روش نمونه‌گیری طبقه‌ای به‌عنوان حجم نمونه انتخاب شدند. ابزار پژوهش مصاحبه نیمه‌ساختاریافته و پرسشنامه محقق‌ساخته بود. جهت سنجش روایی از محتوایی و برای پایایی پرسشنامه از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است. روش آماری در مرحله کمی الگوی معادلات ساختاری بوده است. یافته‌های پژوهش نشان داد که الزامات کلان تحول آفرینی عبارت‌اند از عوامل سرمایه‌ای، توسعه‌ای، فرهنگی، محیطی و انگیزشی و الزامات خرد تحول آفرینی نیز عبارت‌اند از: آزاداندیشی، به‌روزرسانی اطلاعات، نیروی انسانی ماهر، بازاریابی دانش، تجاری‌سازی دانش، انتقال دانش، توسعه دانش، فرهنگ‌سازی قوی دانش، ارزش آفرینی دانش، تقویت فرهنگ پذیرش دانش، پژوهش محوری، رقابت علمی، مفهوم‌سازی دانش، تشویق علمی، کیفیت خدمات دانشی و حمایت دانشی.

کلیدواژه‌ها: تحول آفرینی نظام آموزش عالی، تحول آفرینی حوزه علوم انسانی، تحول.

مقدمه

علوم انسانی و محتواهای مطرح در آن، یکی از مباحث مهم و اساسی فضای جامعه ما است. به عبارتی بعد از انقلاب اسلامی ایران، یکی از حوزه‌هایی که باید متناسب با آرمان‌های انقلاب، دچار تحول و دگرگونی قرار می‌گرفت، دانشگاه و به‌طور اخص علوم انسانی می‌بود. در همین زمینه به نمونه‌ای از سخنان رهبر کبیر انقلاب اسلامی از میان سخنان بسیار ایشان در این حوزه‌ها اشاره می‌نماییم. «اگر ما این وابستگی‌های معنوی را، این وابستگی‌هایی که جوان‌های ما را و دانشگاه ما را و همه‌چیز ما را به‌صورت غربی درآورده بود، این‌ها را برگردانیم به حال خودش و پیدا کردن خودمان را، می‌توانیم یک ملت مستقل باشیم و یک ملت آزاد باشیم...» علوم انسانی به دلیل پرداختن به ابعاد وجودی انسان و تلاش برای بهبود وضعیت جوامع بشری در زمینه‌های مختلف اجتماعی، نقش مهمی در پیشرفت و حفظ و ارتقای ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی جامعه دارد. تأکید و تلاشی که در سال‌های اخیر متوجه تولید دانش، بومی‌سازی دانش موجود و اهمیت پرورش نیروهای متخصص در این دسته از علوم شده، گویای این اهمیت است. اهمیت علوم انسانی در پیشرفت و ارتقای سطح کیفی جامعه از یک سو و رشدنایافتگی و بی‌توجهی به این علوم از سوی دیگر موجب آسیب جدی به بعد انسانی و اجتماعی جامعه شده است این آسیب تا حد زیادی پیامد ناکارآمدی نیروی انسانی متخصص در این حوزه از علوم است. دانشگاه به‌عنوان قطب اصلی تربیت نیروی انسانی نقش مهمی در این زمینه دارد و در صورتی می‌تواند به رفع این معضل کمک کند که با آموزش اثربخش، زمینه پرورش شایستگی‌های فردی دانشجویان علوم انسانی را فراهم آورد. علوم انسانی کارآمد، دیده‌بان و هدایت‌کننده تکاپوهای خرد و کلان یک جامعه است. هیچ اندیشه و هیچ مثنی برآمده از تفکرات و ملاحظیات معرفتی، بیرون از دامنه مبانی، رهیافت‌ها، دستاوردها یا روش‌های علوم انسانی شکل نمی‌پذیرد (سلیمی کوچی، ۱۳۹۲). در جهانی که آموزش عالی یکی از اصلی‌ترین نهادهای ارزش‌آفرین و فرهنگ‌ساز در جامعه محسوب می‌گردد، پرداختن به مسائل دانشگاه و آموزش به‌مثابه یکی از اصلی‌ترین پایگاه‌های تولید و ترویج دانش به شمار می‌آید. دانشگاه‌ها به‌عنوان مراکز علمی در تحول‌آفرینی و توسعه و گسترش مرزهای علم و دانش فعالیت می‌کنند. آموزش و پژوهش دو محور اساسی و زیربنایی است که همه تلاش‌هایی که مرکز دانشگاهی دنبال می‌کند را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. تحول‌آفرینی در مؤسسه‌های آموزش عالی ایران نیازمند انجام

یک تفکر ساختارمند، شناسایی چالش‌ها و نارسایی‌های موجود، اصلاح زیرساخت‌ها و بالا بردن فرهنگ مؤسسه‌های آموزشی به سمت پذیرش دگرگونی‌ها در حوزه‌های مختلف دارد. مادام که این احساس نیاز شکل نگیرد، مقدمات دستیابی به تحول آموزشی نیز رخ نمی‌دهد. اگر در نظام آموزش عالی مقصود دستیابی به تحول‌آفرینی باشد باید عوامل مختلف تأثیرگذار بر آن را مورد توجه قرار داد (علیزاده و همکاران، ۱۳۹۴). امروزه دانشگاه‌ها با مشکلات متعددی روبه‌رو هستند. اهداف یا به‌خوبی تدوین نشده‌اند و یا راهبردهای حاکم، آن‌ها را به مقصد نمی‌رسانند. لذا برای رسیدن به اهداف عالی خویش لزوم بازنگری، تغییر و تحول روزآمد، تجدیدنظر در برخی اهداف و برنامه‌های عملیاتی خویش، مهندسی مجدد، تغییر نگرش در نظام آموزش عالی را احساس نموده‌اند. در حوزه آموزش عالی تحول می‌تواند در زمینه‌های مختلف دانشی، شیوه‌های مختلف یادگیری دانشجویان، سبک رهبری، فضای فرهنگی و خط‌مشی‌ها و سیاست‌گذاری‌ها تعریف شود (علیزاده و همکاران، ۱۳۹۴). زیربنای توسعه اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی هر جامعه‌ای با توسعه آموزش عالی و توفیق آن در تحقق اهدافش گره خورده است. در بخش آموزش عالی، ارتقای کیفی، یکی از محورهای اساسی قانون برنامه چهارم و پنجم توسعه است. در شرایط کنونی توسعه کیفی آموزش عالی یکی از دغدغه‌های مهم سیاست‌گذاران به‌ویژه مسئولان آموزشی است. چنین به نظر می‌رسد که شناخت صحیح حل این مسئله و ارائه راهکاری اساسی جهت حل آن مستلزم بررسی شاخص‌های توسعه کیفی عالی باشد (یزدانی کاشانی و تمنایی فر، ۱۳۹۰).

نیروهای فناوری به‌طور چشمگیری محیط آموزش عالی را تغییر داده‌اند. پیشرفت فناوری، تحقیق و نشر دانشگاهی را تغییر داده است و روش‌های آشنا برای تدریس گنجانده شده‌اند. باین حال آموزش و برنامه درسی یا نحوه آموزش به‌طور قابل توجهی تغییر نکرده است (Pincus et al., 2017).

آموزش به‌عنوان یک فرایند، باید بتواند برای دانشجویان ارزش موردنظر را ایجاد کند. ایجاد کردن ارزش یکی از عامل‌های به وجود آمدن انگیزش در انسان‌ها است و نقش سیاست‌گذاری آموزش باید در یک تعامل مناسب در جهت دانشجوی‌محوری قرار بگیرد و مسائل و واقعیت‌های اجتماعی را در نظر داشته باشد، در حال حاضر دانشگاه آن ارزش موردنظر را برای دانشجویان فراهم نیاورده است؛ بنابراین دانشجو با توجه به نتیجه حاصل از عملکرد خود، ناراضی است. شخص ممکن است خواهان انجام کار باشد، توانایی انجام آن را هم

داشته باشد ولی امکان دارد مانع یا موانعی بر سر راه عملکرد قرار بگیرند. آن مانع یا موانع فقدان سیاست‌های آموزشی هدفمند و تغییر نگرش کهنه است (شریف و شبگو منصف، ۱۳۹۰).

با توجه به اهمیت علوم انسانی و رابطه مستقیم بین سیستم آموزش آن با جامعه و به جهت اینکه بتواند با توجه به تحولات جوامع مورد کاربرد قرار بگیرد و پاسخگوی نیازهای معاصر باشد، باید نظام آموزش علوم انسانی را مورد بازبینی قرار داد. این نظام آموزشی نیز باید هم‌زمان با تحولات جامعه به تحول‌گرایی رو آورد و از چارچوب سنتی و گذشته که کارایی و اثربخشی خود را از دست داده است، خارج شود. لازم است با یک نگاه بنیادی به تحول در حوزه آموزش علوم انسانی به ساماندهی مراکز آموزش عالی، تحول در سنجش‌های آزمون سراسری و بازبینی ملاک‌های ارتقاء اساتید حوزه علوم انسانی نگریست و می‌بایست مواردی از این دست مورد توجه قرار گیرد. تحول در نظام آموزش علوم انسانی با تأکید بر اولویت‌های کشور، توجه به نیازهای مهم کشور در عرصه علوم انسانی، تأکید بر اعتلای جایگاه دانشگاه‌ها و ورود به عرصه دانشگاه‌های هزاره سوم، تحقق آموزش پاسخگو و عدالت‌محور، بهره‌مندی از فناوری‌های نوین و توجه به نهادینه‌سازی اخلاق حرفه‌ای از ویژگی‌های برجسته‌ای است که این پژوهش را کاربردی می‌گرداند. طی بررسی‌های انجام‌شده توسط محقق انجام پژوهشی که الزامات خرد و کلان تحول‌آفرینی نظام آموزش عالی ایران در حوزه آموزش علوم انسانی را شناسایی کند لازم و ضروری به نظر می‌رسد که هدف اصلی تحقیق حاضر نیز همین است. با توجه به اینکه ضروریات تحول‌آفرینی موجب بهبود عملکرد کارکنان و در نهایت سازمان می‌شود و همچنین با توجه به اینکه کم‌توجهی به علوم انسانی در سازمان‌ها موفقیت آن‌ها را به خطر می‌اندازد که نظام آموزش عالی نیز از این قاعده مستثنا نیست. بنابراین با اجرای تحقیق حاضر نظام آموزش عالی می‌تواند از نتایج آن استفاده کاربردی نماید و در جهت بهبود عملکرد دانشگاهیان آن را به کار برد، لذا در صورت انجام تحقیق الزامات خرد و کلان تحول‌آفرینی در آموزش عالی ایران شناسایی شده و به مدیران و مجریان در امر تحول‌آفرینی در آموزش عالی کمک شایانی خواهد کرد. از طرفی در صورت عدم انجام تحقیق حاضر الزامات خرد و کلان تحول‌آفرینی در آموزش عالی پنهان مانده و این امر سبب کاهش انعطاف‌پذیری، عدم تصمیم‌گیری در شرایط پیچیده و عدم انطباق‌پذیری با شرایط محیطی و غیره می‌شود. لذا با توجه به اینکه تا حالا تحقیقی با

عنوان شناسایی الزامات خرد و کلان تحول‌آفرینی در نظام آموزش عالی ایران در حوزه آموزش علوم انسانی انجام نگرفته است انجام تحقیق حاضر از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ و همچنین همه کسانی که مطابق با برنامه ۴، ۵ و ۶ توسعه به دنبال تحول در سازمان‌های دولتی و همچنین تحول در علوم انسانی و چابک‌سازی، متناسب‌سازی و منطقی ساختن تشکیلات نظام اداری در جهت تحقق اهداف چشم‌انداز، کارآمدسازی و هماهنگی ساختارها (پیشنهادها برای تدوین سیاست‌های کلی برنامه ششم به همراه متن مجموعه سیاست‌های کلی نظام برای برنامه‌های دوم تا پنجم توسعه، ۱۳۹۳: ۱۱۰ و ۱۱۱) هستند می‌توانند از دستاوردهای این پژوهش بهره ببرند. در این زمینه پژوهش‌های متعددی انجام شده است. Marginson (2017) در پژوهشی تحت عنوان توسعه آموزشی به این نتیجه رسید که سیستم آموزش عالی شرق آسیا به سرعت در حال بهبود در مقدار و کیفیت همراه با رشد طبقه متوسط و تحرک اجتماعی مطلق است. مشارکت در آموزش عالی در اکثر کشورها به سرعت در حال افزایش و در حال تبدیل شدن به اجتماعی فراگیر است. باین حال رشد در شمول اجتماعی که موجب اجتماع بیشتر می‌شود افزایش می‌یابد. Brennan و همکاران (2004) در مقاله‌ای تحت عنوان نقش دانشگاه‌ها در تحول جوامع به این نتیجه رسیدند که گسترش سریع تعداد دانشجویان تأثیر عمده‌ای در تغییر شکل برنامه درسی داشته است. باین حال مفهوم چنین تغییراتی برای کارکنان دانشگاه به‌ویژه هیئت‌علمی به‌طور قابل توجهی بسته به ماهیت تغییر جامعه و نقش آن‌ها در آن متفاوت است. شاه‌آبادی و پورعزت (۱۳۹۵) در تحقیقی با عنوان کاربرست رویکرد میان‌رشته‌ای در مسئله تحول علوم انسانی به این نتیجه رسیدند که پس از پیروزی انقلاب در ایران، مسئله تحول در علوم انسانی از یک مسئله نظری صرف، به دستور کاری برای دولت‌ها تبدیل شد، اما مشکل‌های نظری و گرایش‌های گوناگون سیاسی، ثبات خط‌مشی‌گذاری را در این عرصه کاهش داد. حکومت می‌تواند نقش مهم و مؤثری را در این جریان ایفا کند. مشروط بر آنکه با شناخت درست جایگاه هر رشته در زنجیره ترجمه تحول‌گرا، مجموعه خط‌مشی‌های ناظر به تخصیص منابع مالی، زمانی، انسانی و طراحی یا بازتعریف ساختارها را متناسب با وضعیت هر رشته بازتعریف نماید.

مهرمحمدی و همکاران (۱۳۹۰) در مقاله‌ای تحت عنوان راهبردهای مطلوب برای آموزش علوم انسانی در دانشگاه‌های کشور به این نتیجه رسیدند که در جریان ایجاد تحول

در کیفیت یادگیری علوم انسانی در آموزش عالی، بدون شک باید به راهبردها و الگوهایی که نیازمند حسن استفاده از فناوری‌های جدید است، عنایت ویژه‌ای مبذول داشت. با اتکا به فناوری‌های جدید می‌توان به مصاف بخش قابل توجهی از چالش‌ها رفت و ارتقای کیفیت آموزش و یادگیری علوم انسانی را وجهه همت ساخت. شریف و شبگومنصف (۱۳۹۰) در مقاله‌ای تحت عنوان مهندسی مجدد نگرش در آموزش عالی، به این نتیجه رسیدند که حرکت‌های اولیه برای نهضت آزاداندیشی و جنبش‌های نرم‌افزاری، جهت تشویق و نوآوری، صورت پذیرفته است اما استمرار آن برای بقاء حرکت‌های توسعه‌ای ضروری است. لذا توجه جدی در این زمینه، سازوکارهای سیاسی آموزشی جدیدی می‌طلبد. شریف زاده (۱۳۹۰) در مقاله‌ای تحت عنوان ضرورت بازشناسی نظام آموزش عالی و نقش آن در توسعه علمی و اجتماعی کشور که درباره دوره‌ی کارشناسی رشته مدیریت دولتی است در ابتدا مسائل آموزش عالی و جایگاه آن در پیشبرد علم و حل مشکلات جامعه بحث و بررسی کرده است و به اثربخشی سازمان ارزیابی برنامه آموزش و نقش آن در بهبود عملکرد آموزشی و کیفیت آن اشاره کرده است.

با توجه به پیشینه تحقیق می‌توان گفت تاکنون پژوهش جدی در ایران با این عنوان کار نشده است. در این پژوهش سعی بر آن بوده است که با شیوه تحلیل محتوا به شناسایی الزامات خرد و کلان تحول آفرینی نظام آموزش عالی ایران در حوزه آموزش علوم انسانی از دیدگاه خبرگان حوزه آموزش عالی پرداخته شود و با مطالعه، بررسی و بسط این موضوع در حیطه آموزش عالی، بتوانیم در جهت بهبود کارایی علوم انسانی کمک کنیم. همچنین، با توجه به آنچه گفته شد و ضرورت آشنایی اعضای هیئت علمی با چستی، چگونگی و الزامات تحول علوم انسانی در قالب یک نظام سیستمی اثربخش، در این پژوهش تلاش شده تا نظامی جامع برای تحول در علوم انسانی در مراکز آموزش عالی تدوین و اعتباریابی شود. شناخت مؤلفه‌های یک نظام سیستمی اثربخش در زمینه علوم انسانی می‌تواند به بهبود نحوه تدریس در دانشگاه و ارتقای اثربخشی آن کمک کند. در این راستا سؤالات زیر راهنمای پژوهش است:

سؤال اصلی پژوهش از قرار زیر است:

۱- الزامات خرد و کلان تحول آفرینی نظام آموزش عالی ایران در حوزه علوم انسانی کدامند؟

سؤالات فرعی پژوهش از قرار زیر است:

- ۱- الزامات کلان تحول در یادگیری دانشجویان در حوزه علوم انسانی کدامند؟
- ۲- الزامات خرد تحول در یادگیری دانشجویان در حوزه علوم انسانی کدامند؟
- ۳- الزامات کلان رهبری تحول آفرین در حوزه علوم انسانی کدامند؟
- ۴- الزامات خرد رهبری تحول آفرین در حوزه علوم انسانی کدامند؟
- ۵- الزامات کلان کیفیت آموزش عالی در حوزه علوم انسانی کدامند؟
- ۶- الزامات خرد کیفیت آموزش عالی در حوزه علوم انسانی کدامند؟
- ۷- الزامات کلان کاربردی کردن نتایج در حوزه علوم انسانی کدامند؟
- ۸- الزامات خرد کاربردی کردن نتایج در حوزه علوم انسانی کدامند؟
- ۹- الزامات کلان صلاحیت آموزشی موردنیاز در حوزه علوم انسانی کدامند؟
- ۱۰- الزامات خرد صلاحیت آموزشی موردنیاز در حوزه علوم انسانی کدامند؟
- ۱۱- الزامات کلان تولید دانش کاربردی در حوزه علوم انسانی کدامند؟
- ۱۲- الزامات خرد تولید دانش کاربردی در حوزه علوم انسانی کدامند؟

روش

پژوهش حاضر از نظر هدف از نوع کاربردی است، چراکه در شرایط بازار رقابتی در آموزش عالی یکی از مسائل اصلی مؤسسات آموزش عالی شناسایی الزامات خرد و کلان تحول آفرینی نظام آموزش عالی و ارائه خدمات نوآورانه به دانشجویان، صاحبان صنایع یا خدمات کشور است. از نظر گردآوری داده‌ها از ترکیب روش‌های کیفی و کمی استفاده شده است. در مرحله اول از تحلیل محتوا به عنوان رویکرد کیفی استفاده شده است و در مرحله دوم از روش همبستگی و به طور خاص معادلات ساختاری به عنوان رویکرد کمی استفاده شده است. جامعه آماری در بخش کیفی خبرگان و آگاهان تحول آفرینی نظام آموزش عالی ایران می‌باشند. در این پژوهش، از روش نمونه‌گیری هدفمند و به طور خاص گلوله برفی استفاده شد. ابزار گردآوری داده‌ها در بخش کیفی، مصاحبه است. در تحقیق حاضر جهت شناسایی شاخص‌ها در حوزه آموزش علوم انسانی در مؤسسات آموزش عالی از مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته با خبرگان حوزه آموزش علوم انسانی استفاده گردید. در مرحله کمی جهت سنجش متغیرهای شناسایی شده، تعیین روابط بین متغیرهای شناسایی شده و همچنین اعتباریابی مفهومی آن از روش پژوهش کمی استفاده شده است. در این مرحله

ابزارهای سنجش متغیرهای شناسایی شده طراحی شده و گویه‌های آن از بررسی پیشینه نظری و گردآوری داده‌های مرحله کیفی از خبرگان و صاحب‌نظران حوزه آموزش عالی طراحی می‌شود. سپس پرسشنامه طراحی شده جهت تأیید روایی محتوایی در اختیار خبرگان قرار گرفته و جهت تأیید پایایی آن در نمونه کوچکی از جامعه آماری به صورت پایلوت اجرا شده است. روش تحلیل داده‌ها در این بخش نیز توصیفی همبستگی از نوع معادلات ساختاری است. جامعه آماری این پژوهش در بخش کمی، نخبگان حوزه آموزش عالی دانشگاه‌های شهرستان کرمانشاه (دانشگاه رازی (N=۹۳)، دانشگاه آزاد اسلامی (N=۶۱)، دانشگاه جامع علمی کاربردی (N=۳۹) و دانشگاه علوم قرآنی (N=۲۱) که تعداد آن‌ها ۴۸۰ نفر می‌باشند. برای انتخاب حجم نمونه با استفاده از جدول Krejcie and Morgan (1997) تعداد ۲۱۴ نفر و بر اساس روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای (دانشگاه‌ها به عنوان طبقه) انتخاب شدند. اطلاعات جمعیت‌شناختی نمونه مورد پژوهش در بخش کمی به صورت زیر است:

در بررسی حاضر از بین ۲۱۴ پاسخ‌دهنده، ملاحظه می‌گردد که ۷۷ نفر (۳۵/۹۸) از پاسخ‌دهندگان زن و ۱۳۷ نفر (۶۴/۰۲) از پاسخ‌دهندگان مرد می‌باشند. ۲۷ نفر (۱۲/۶۱) از پاسخ‌دهندگان مجرد و ۱۸۷ نفر (۸۷/۳۹) از پاسخ‌دهندگان متأهل می‌باشند. با توجه به نتایج به دست آمده، بیشترین افراد نمونه را افراد با سابقه خدمت بین ۱۰ تا ۲۰ سال را تشکیل می‌دهند (۶۳/۵۵ درصد) و کمترین آن‌ها افراد با سابقه خدمت بیشتر از ۲۰ سال می‌باشند (۷/۰۲ درصد). بیشترین افراد نمونه دارای مرتبه علمی استادیار می‌باشند (۵۲/۳۳ درصد) و کمترین آن‌ها دارای مرتبه علمی استادی (۴/۶۹ درصد) هستند. بیشترین افراد نمونه آماری (۹۳ نفر) معادل ۴۳/۴۵ درصد هستند که در دانشگاه رازی خدمت می‌کردند و کمترین افراد نمونه آماری (۲۱ نفر) معادل ۹/۸۳ درصد هستند که شاغل در دانشگاه علوم قرآنی بودند.

ابزار گردآوری داده‌ها در بخش کمی، پرسشنامه محقق ساخته است که حاصل خروجی بخش کیفی تحقیق است. این پرسشنامه دارای ۵ مؤلفه اصلی، ۱۶ زیر مؤلفه و ۷۲ سؤال است. به منظور اطمینان از پایایی پرسشنامه حاضر و همسانی درونی سؤال‌ها، پرسشنامه به صورت پایلوت بین ۲۰ نفر از اساتید حوزه علوم انسانی دانشگاه‌های کرمانشاه اجرا شده است. بعد از اجرا و بررسی ضرایب آلفای کرونباخ محاسبه شده با استفاده از نرم‌افزار آماری SPSS22 برای نمونه مقدماتی، مقدار آلفا در کلیه شاخص‌ها بالای ۰/۷۰ بود لذا می‌توان گفت که

پرسشنامه از اعتبار بالایی قابل قبولی برخوردار است و نشان‌دهنده قابلیت اعتماد بالایی مؤلفه‌های موردبررسی است.

جدول ۱. خروجی بخش کیفی تحقیق

الزامات کلان	الزامات خرد	تعداد گویه‌ها	ضریب آلفا
عوامل سرمایه‌ای	آزاداندیشی	۶	۰/۸۲۵
	به‌روزرسانی اطلاعات	۳	۰/۸۰۳
	نیروی دانشی ماهر	۶	۰/۸۱۴
عوامل توسعه‌ای	بازاریابی دانش	۴	۰/۷۳۴
	تجاری‌سازی دانش	۶	۰/۸۱
	انتقال دانش	۵	۰/۸۵۵
عوامل فرهنگی	توسعه دانش	۵	۰/۸۲۵
	فرهنگ‌سازی قوی دانش	۳	۰/۷۶۸
	ارزش‌آفرینی دانش	۳	۰/۸۴۷
عوامل محیطی	تقویت فرهنگ‌پذیری دانش	۴	۰/۸۱۵
	پژوهش‌محوری	۴	۰/۷۲۵
	رقابت علمی	۴	۰/۷۳۵
عوامل انگیزشی	مفهوم‌سازی دانش	۵	۰/۸۴۲
	تشویق علمی	۵	۰/۸۸۱
	کیفیت خدمات دانشی	۵	۰/۸۴۸
	حمایت دانشی	۳	۰/۸۴۳

جهت محاسبه روایی از شیوه شاخص نسبت روایی محتوایی^۱ استفاده می‌شود (Shultz et al., 2013).

جدول ۲. حداقل مقدار روایی محتوایی قابل قبول بر اساس تعداد متخصصین نمره‌گذار

تعداد متخصصین	مقدار CVR	تعداد متخصصین	مقدار CVR	تعداد متخصصین	مقدار CVR
۵	۰/۹۹	۱۱	۰/۵۹	۲۵	۰/۳۷
۶	۰/۹۹	۱۲	۰/۵۶	۳۰	۰/۳۳
۷	۰/۹۹	۱۳	۰/۵۴	۳۵	۰/۳۱
۸	۰/۷۵	۱۴	۰/۵۱	۴۰	۰/۲۹
۹	۰/۷۸	۱۵	۰/۴۹		
۱۰	۰/۶۲	۲۰	۰/۴۲		

1. Content validity ratio (CVR)

تعداد متخصصین موردنظر در این تحقیق ۲۰ نفر اختیار شده است و با توجه به نتایج تمامی آن‌ها، مقدار روایی محتوایی تمامی آیت‌ها یا مضامین هر مؤلفه بیشتر از ۰/۴۲ برآورد شده است. در بخش کمی برای تحلیل داده‌های گردآوری‌شده از روش‌های آماری توصیفی؛ شاخص‌های گرایش به مرکز مانند میانگین و شاخص‌های پراکنندگی مانند انحراف معیار و همچنین آمار استنباطی مانند آزمون تی تک‌نمونه‌ای و آزمون فریدمن و از روش تحلیل عاملی تأییدی مرتبه اول و دوم و مدل معادلات ساختاری استفاده شده است. برای تحلیل کمی داده‌ها ابتدا داده‌های مربوط به پرسشنامه در نرم‌افزار SPSS22 وارد شدند؛ سپس به منظور انجام تحلیل‌های عاملی مرتبه اول و دوم از نرم‌افزار Lisrel استفاده شده است.

یافته‌ها

این بخش با انجام مصاحبه آغاز شد. این مصاحبه‌ها با خبرگان و آگاهان تحول آفرینی نظام آموزش عالی ایران انجام گرفت. پس از شناسایی مفاهیم و مقوله‌های اولیه ارائه مصاحبه‌ها با هدف توسعه مقوله آغاز گردید. در مرحله اولیه محقق پس از تحلیل متن مصاحبه موفق به شناسایی مقوله‌های کلیدی شد؛ و پس از تحلیل این مصاحبه‌ها و بررسی دامنه آن، در مرحله دوم مصاحبه‌ها به منظور توسعه مفاهیم و مقوله‌ها و رسیدن به اشباع نظری در دستور کار قرار گرفت؛ و پس از اشباع نظری و توقف روند مصاحبه‌ها، پالایش و مقایسه نهایی انجام گرفت. پس از انجام مصاحبه و دستیابی به اشباع نظری و همچنین کدگذاری تمام مصاحبه‌ها مورد مطالعه قرار گرفت. به طور کلی ۱۳۷ نکته کلیدی منشأ کدگذاری باز بود و از این تعداد ۱۶ زیرمقوله اصلی استخراج شده است، ۱۳۷ کد مشترک در قالب ۱۶ مفهوم دسته‌بندی شده اند. به منظور جمع‌بندی و شناسایی مقوله‌های اصلی، مفاهیم مشترک دسته‌بندی می‌شوند. برای تعیین کفایت فراوانی لازم جهت انتخاب مقوله‌های اصلی، شناسایی شایستگی‌های کارکنان برای تحول آفرینی در نظام آموزش عالی ایران حداقل فراوانی را ۵ در نظر گرفته ایم. استدلال بر این است که برای انتخاب هر مقوله کفایت لازم برای مفاهیم معادل فراوانی حداقل یک‌سوم از مصاحبه‌شوندگان باشند که به ذکر آن مفهوم در مصاحبه‌ها پرداخته باشند. در جدول فوق فراوانی همه مفاهیم استخراج شده بیشتر از ۵ شده‌اند لذا همه مفاهیم شناسایی شده برای مرحله مقوله‌بندی مورد تأیید می‌باشند. مطابق جدول ۳، همان‌طور که مشاهده می‌شود ۱۶ مفهوم شناسایی شده در قالب ۵ مقوله اصلی دسته‌بندی شدند. این مقوله‌های شناسایی شده برای درج در مدل خواهند بود. با توجه به مراحل کدگذاری داده‌ها

در مجموع ۲۰ مصاحبه انجام گرفته ۱۳۷ کد مشترک استخراج شدند که این ۱۳۷ کد مشترک در قالب ۱۶ مفهوم دسته‌بندی شدند و ۱۶ مفهوم نیز در ۵ دسته اصلی مقوله‌بندی شدند. لذا عوامل مؤثر بر تحول‌آفرینی نظام آموزش عالی ایران در حوزه آموزش علوم انسانی شناسایی شدند و مدل مفهومی پیشنهادی تحقیق به صورت زیر است.

جدول ۳. مقوله‌بندی مفاهیم مشترک

الزامات کلان	خرده الزامات
عوامل سرمایه‌ای	به‌روزرسانی اطلاعات نیروی دانشی ماهر
عوامل انگیزشی	حمایت دانشی تشویق علمی کیفیت خدمات دانشی
عوامل فرهنگی	تقویت فرهنگ‌پذیری دانش فرهنگ‌سازی قوی دانش ارزش‌آفرینی دانش
عوامل محیطی	مفهوم‌سازی دانش پژوهش‌محوری رقابت علمی
عوامل توسعه‌ای	توسعه دانش تجاری‌سازی دانش انتقال دانش

در این مطالعه از ابزار پرسشنامه برای گردآوری داده‌ها استفاده شده است. بنابراین با استفاده از تحلیل عاملی تأییدی ساختار کلی پرسشنامه‌های تحقیق مورد روایی‌سنجی محتوایی قرار گرفته است. برای تحلیل عاملی تأییدی بار عاملی استاندارد و آماره t محاسبه شده است.

جدول ۴. تحلیل عاملی تأییدی مرتبه دوم متغیر عوامل سرمایه‌ای در حالت تخمین استاندارد و عدد معناداری

الزامات کلان	خرده الزامات	$t\text{-value} \geq 1/96$	بار عاملی $\leq 0/5$	نتیجه
عوامل سرمایه‌ای	بازاریابی دانش	۱۰/۶۹	۰/۹۹	تأیید
	آزاداندیشی	۱۱/۲۵	۰/۹۴	تأیید
عوامل انگیزشی	به‌روزرسانی اطلاعات	۱۱/۵۹	۰/۹۷	تأیید
	نیروی دانشی ماهر	۱۱/۰۵	۰/۹۲	تأیید
عوامل فرهنگی	تشویق علمی	۸/۷۰	۰/۷۴	تأیید
	کیفیت خدمات دانشی	۹/۳۶	۰/۹۲	تأیید
	حمایت دانشی	۹/۹۱	۰/۸۲	تأیید
عوامل محیطی	فرهنگ‌سازی قوی دانش	۹/۸۱	۰/۸۴	تأیید
	ارزش‌آفرینی دانش	۹/۲۹	۰/۹۱	تأیید

الزامات کلان	خرده الزامات	t-value ≥ 1/96	بار عاملی ≤ ۰/۵	نتیجه
	تقویت فرهنگ پذیری دانش	۱۰/۶۴	۰/۸۹	تأیید
عوامل محیطی	پژوهش محوری	۸/۰۱	۰/۹۱	تأیید
	رقابت علمی	۱۱/۵۴	۰/۹۹	تأیید
	مفهوم سازی دانش	۵/۹۵	۰/۸۴	تأیید
عوامل توسعه‌ای	تجاری سازی دانش	۸/۴۲	۰/۶۹	تأیید
	انتقال دانش	۱۱/۶۴	۰/۹۲	تأیید
	توسعه دانش	۱۱/۸۶	۰/۹۶	تأیید

با توجه به جدول ۴ رابطه بین ابعاد با خود متغیر عوامل سرمایه‌ای، انگیزشی، فرهنگی، محیطی و توسعه‌ای در تمامی موارد بزرگ‌تر از ۰/۵ به دست آمده است. بنابراین ساختار عاملی این مدل قابل تأیید است. با توجه به اینکه بار عاملی بین متغیر عوامل سرمایه‌ای، انگیزشی، فرهنگی، محیطی و توسعه‌ای با ابعادشان از مقدار ۰/۶ بیشتر است، ساختار عاملی مدل در حالت خیلی مطلوب قرار دارد. بعد از محاسبه بار عاملی استاندارد باید آزمون معناداری صورت گیرد. بر اساس نتایج مشاهده شده در جدول ۲ بار عاملی آماره t متغیر عوامل سرمایه‌ای، انگیزشی، فرهنگی، محیطی و توسعه‌ای با هر یک از ابعادشان در سطح اطمینان ۵٪ مقداری بزرگ‌تر از ۱/۹۶ است؛ بنابراین همبستگی‌های مشاهده شده معنادار است. مهم‌ترین شاخص‌های برازش این مدل در جدول ۵ آورده شده است و به اختصار شرح داده شده‌اند.

جدول ۵. شاخص‌های برازش مدل‌های متغیرهای پژوهش

شاخص‌های نیکویی برازش مدل عوامل سرمایه‌ای									
CFI	IFI	NNFI	NFI	AGFI	GFI	RMSEA	RMR	CMIN/DF	شاخص برازندگی
>۰/۹	>۰/۹	>۰/۹	>۰/۹	>۰/۸	>۰/۹	<۰/۰۸	<۰/۰۵	<۳	مقادیر قابل قبول
۰/۹۸	۰/۹۸	۰/۹۷	۰/۹۶	۰/۹۴	۰/۹۶	۰/۰۷۶	۰/۰۳۹	۲/۲۵	مقادیر محاسبه شده
عوامل توسعه‌ای									
۰/۹۷	۰/۹۷	۰/۹۶	۰/۹۵	۰/۹۲	۰/۹۵	۰/۰۶۶	۰/۰۴۲	۲/۷۵	
عوامل فرهنگی									
۰/۹۷	۰/۹۷	۰/۹۶	۰/۹۶	۰/۹۰	۰/۹۳	۰/۰۷۳	۰/۰۴۷	۲/۵۸	
عوامل محیطی									
۰/۹۴	۰/۹۶	۰/۹۶	۰/۹۷	۰/۹۴	۰/۹۶	۰/۰۷۷	۰/۰۴۶	۲/۳۷	
عوامل انگیزشی									
۰/۹۸	۰/۹۸	۰/۹۵	۰/۹۶	۰/۹۶	۰/۹۶	۰/۰۵۶	۰/۰۳۳	۲/۳۳	

در جدول ۶ نتایج حاصل از تحلیل t تک‌نمونه‌ای یا t تک گروهی آمده است.

جدول ۶. نتایج آزمون t تک نمونه‌ای برای بررسی وضعیت موجود الزامات خرد عوامل

تفاوت میانگین	Sig. (2-tailed)	درجه آزادی	مقدار تی	انحراف استاندارد	میانگین	ابعاد
نتایج آزمون t تک نمونه‌ای برای بررسی وضعیت موجود الزامات خرد عوامل سرمایه‌ای						
۳/۷۲	۰/۰۰۰	۲۱۳	۷۷/۶۹۵	۰/۷۰	۳/۷۲	بازاریابی دانش
۳/۶۰	۰/۰۰۰	۲۱۳	۶۰/۰۶۲	۰/۸۸	۳/۶۰	آزاداندیشی
۳/۵۷	۰/۰۰۰	۲۱۳	۶۵/۳۲۴	۰/۸۰	۳/۵۷	به‌روزرسانی اطلاعات
۳/۴۲	۰/۰۰۰	۲۱۳	۵۸/۵۴۹	۰/۸۶	۳/۴۲	نیروی دانشی ماهر
نتایج آزمون تی تک‌نمونه‌ای برای بررسی وضعیت موجود الزامات خرد عوامل توسعه‌ای						
۳/۷۹	۰/۰۰۰	۲۱۳	۷۷/۴۱۷	۰/۷۲	۳/۳۹	تجاری‌سازی دانش
۳/۹۹	۰/۰۰۰	۲۱۳	۸۳/۴۴۶	۰/۷۰	۳/۹۹	انتقال دانش
۳/۸۸	۰/۰۰۰	۲۱۳	۸۰/۲۶۷	۰/۷۱	۳/۸۸	توسعه دانش
نتایج آزمون t تک نمونه‌ای برای بررسی وضعیت موجود الزامات خرد عوامل فرهنگی						
۳/۶۵	۰/۰۰۰	۲۱۳	۶۶/۹۶	۰/۸۰	۳/۶۵	فرهنگ‌سازی قوی دانش
۳/۶۷	۰/۰۰۰	۲۱۳	۷۲/۵۲	۰/۷۴	۳/۶۷	ارزش‌آفرینی دانش
۳/۸۷	۰/۰۰۰	۲۱۳	۷۹/۶۸	۰/۷۱	۳/۸۷	تقویت فرهنگ‌پذیری دانش
نتایج آزمون t تک نمونه‌ای برای بررسی وضعیت موجود الزامات خرد عوامل محیطی						
۴/۰۰	۰/۰۰۰	۲۱۳	۹۰/۸۳	۰/۶۵	۴/۰۰	پژوهش محوری
۳/۸۴	۰/۰۰۰	۲۱۳	۸۰/۱۱	۰/۷۱	۳/۸۴	رقابت علمی
۳/۸۶	۰/۰۰۰	۲۱۳	۸۹/۶۶	۰/۶۳	۳/۸۶	مفهوم‌سازی دانش
نتایج آزمون t تک نمونه‌ای برای بررسی وضعیت موجود الزامات خرد عوامل انگیزشی						
۳/۸۵	۰/۰۰۰	۲۱۳	۹۴/۹۴۶	۰/۶۰	۳/۸۵	تشویق علمی
۳/۶۷	۰/۰۰۰	۲۱۳	۷۳/۷۸۲	۰/۷۳	۳/۶۷	کیفیت خدمات دانشی
۳/۹۷	۰/۰۰۰	۲۱۳	۷۴/۵۱۸	۰/۷۸	۳/۹۷	حمایت دانش

با توجه به جدول فوق مشاهده می‌گردد که در سطح اطمینان ۹۵ درصد الزامات خرد عوامل سرمایه‌ای، انگیزشی، فرهنگی، محیطی و توسعه‌ای در حد زیاد و بالاتر بر ابعاد تحول در یادگیری تأثیرگذار است. آزمون فریدمن یک آزمون ناپارامتری، معادل آنالیز واریانس با اندازه‌های تکراری (درون گروهی است) که از آن برای مقایسه میانگین رتبه‌ها در بین k متغیر (گروه) استفاده می‌کنیم.

جدول ۷. آزمون فریدمن برای مشخص کردن میانگین رتبه‌های متغیرهای عوامل سرمایه‌ای

رتبه	میانگین	ابعاد	عوامل سرمایه‌ای
۱	۲/۸۶	بازاریابی دانش	عوامل سرمایه‌ای
۲	۲/۵۷	آزاداندیشی	
۳	۲/۴۶	به‌روزرسانی اطلاعات	
۴	۲/۱۲	نیروی دانشی ماهر	
۳	۱/۷۵	تجاری‌سازی دانش	عوامل توسعه‌ای
۱	۲۱/۲۵	انتقال دانش	
۲	۲/۰۰	توسعه دانش	
۳	۱/۸۶	فرهنگ‌سازی قوی دانش	عوامل فرهنگی
۲	۱۲/۸۷	ارزش آفرینی دانش	
۱	۲/۲۷	تقویت فرهنگ‌پذیری دانش	
۱	۲/۱۹	پژوهش محوری	عوامل محیطی
۳	۱۳/۸۵	رقابت علمی	
۲	۱۲/۹۵	مفهوم‌سازی دانش	
۲	۱/۹۵	تشویق علمی	عوامل انگیزشی
۳	۱/۷۳	کیفیت خدمات دانشی	
۱	۲/۳۳	حمایت دانشی	

در جدول Ranks میانگین رتبه‌های هر یک از مؤلفه‌ها نشان داده شده است و جدول Test Statistics محتوی نتیجه اصلی آزمون است.

جدول ۸. نتایج اصلی آزمون فریدمن برای متغیرها

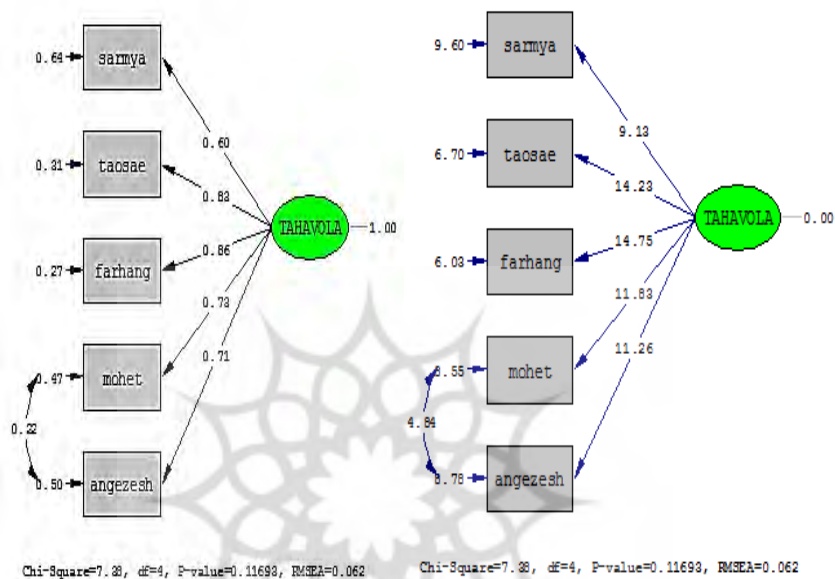
Test Statistics ^a	عو	عو	عو	عو
N				
Chi-Square				
Df				
Asymp. Sig.				

a. Friedman Test

مدل نهایی تحقیق که با استفاده از نرم‌افزار لیزر اعتباریابی شده است در نمودار (۱) ارائه شده است. در طراحی این مدل از سؤالات مربوط به ابعاد متغیرهای عوامل سرمایه‌ای،

عوامل توسعه‌ای، عوامل فرهنگی، عوامل محیطی و عوامل انگیزشی میانگین گرفته شده و میانگین به‌عنوان متغیر مشاهده‌گر وارد تحلیل شده است.

نمودار ۱. مدل نهایی تحقیق در حالت تخمین استاندارد و عدد معناداری



جدول ۹. شاخص‌های نیکویی برازش مدل ساختاری تحقیق

شاخص برازندگی	CMIN/DF	RMR	RMSEA	GFI	AGFI	NFI	NNFI	IFI
مقادیر محاسبه شده	۱/۸۴	۰/۰۳۵	۰/۰۶۲	۰/۹۱	۰/۸۰	۰/۹۶	۰/۹۶	۰/۹۷

با توجه به کلیه شاخص‌ها در جدول (۹) می‌توان دریافت که مدل اصلی تحقیق از برازش مناسبی برخوردار است.

جدول ۱۰. آزمون فریدمن برای مشخص کردن میانگین رتبه‌های الزامات کلان

رتبه	ابعاد
۵	عوامل سرمایه‌ای
۱	عوامل توسعه‌ای
۴	عوامل فرهنگی
۲	عوامل محیطی
۳	عوامل انگیزشی

در جدول Ranks میانگین رتبه‌های هر یک از مؤلفه‌ها را می‌بینید؛ و جدول Test Statistics محتوی نتیجه اصلی آزمون است. همان‌گونه که در جدول شاهد هستید می‌توان مقدار آماره مربع کی را با $113/907$ درجه آزادی ۲ و همچنین سطح معنی‌داری آزمون P-Value صفر است.

بحث و نتیجه‌گیری

بعد از انجام مراحل کیفی تحقیق و یافتن روابط بین مفاهیم سازمان‌دهنده در مجموع ۱۶ مضمون فراگیر یا مؤلفه اصلی شناسایی الزامات خرد و کلان تحول آفرینی نظام آموزش عالی به دست آمد. در این قسمت به تشریح هر بعد و همچنین بررسی تطبیقی این مؤلفه‌ها پرداخته می‌شود که عبارت‌اند از: آزاداندیشی: ضرورت حاکم بر طرح و اجرای کرسی‌های آزاداندیشی از سوی مقام معظم رهبری در راستای سیاست‌های کلان کشور به‌عنوان جزئی از تلاش، برای احیاء و نوسازی تمدن ایرانی اسلامی و به‌عنوان فرصت و امکانی به‌حساب می‌آید که در پرتو فضای مناسب طرح مباحث بنیادین علمی بیش از هر چیز به تحقق جنبش نرم‌افزاری، توسعه علمی و جلوگیری از تصلب و تعصب علمی و فکری منجر شود. همچنین تحقق این ایده همراه شدن با اقتضائات زمانه در زندگی اجتماعی و درک عمیق شرایط روز و ناشی از باور به خردمندی انسان، استعدادهای مهم و بسیار بالای مادی و معنوی کشور و ظرفیت‌های فرهنگی و سودمندی طرح دیدگاه‌های مختلف برای ایجاد رشد و تعالی مادی و معنوی کشور است. از این رو، برای جامعه دانشگاهی و مسئولان و متصدیان عرصه علم و دانش، درک عمیق ابعاد مختلف مفهوم آزاداندیشی و آگاهی از نتایج و پیامدهای مطلوب و سازنده آن در راستای رشد و تعالی مادی و معنوی کشور یک ضرورت بنیادی است. طبق سخنان مقام معظم رهبری کرسی‌های آزاداندیشی می‌تواند یک جریان سیال فکری بسیار باارزشی را در جامعه راه بیندازد؛ و اگر در حوزه‌های علوم انسانی مقدمات تشکیل کرسی‌های آزاداندیشی فراهم نشود علوم انسانی نحیف و ضعیف خواهد شد. بر اساس نتایج این پژوهش آزاداندیشی یکی از الزامات خرد در فرآیند تحول آفرینی نظام آموزش عالی است با توجه به اینکه ضریب مسیر همه بارهای عاملی متغیر آزاداندیشی بزرگ‌تر از $0/3$ است و از طرفی نیز همه ضرایب معناداری بزرگ‌تر از $1/96$ شده‌اند لذا تحلیل عاملی تأییدی متغیر آزاداندیشی مورد تأیید قرار می‌گیرد. فلذا توجه من این است که برای دست یافتن به لزوم برگزاری کرسی‌های آزاداندیشی در دانشگاه‌ها، به‌عنوان یکی از مراکز علمی، پیش از هر

چیز لازم است تا نگرشی بر مفهوم «آزاداندیشی» داشته باشیم. به‌روزرسانی اطلاعات: تکنولوژی آموزشی به‌کارگیری وسایل و ابزار و استفاده از یافته‌های پژوهشی برای ارتقای کیفیت یادگیری و فرایند بهنگام سازی اطلاعات است. فناوری آموزشی بخشی از علوم تربیتی است و قسمتی از به‌روزرسانی اطلاعات است. فناوری آموزشی به معنای کاربرد دانش برای مقاصد عملی است. از نظر جی. آر. گاس مدیر مرکز تحقیقات و نوآوری‌های آموزشی وابسته به سازمان همکاری‌های اقتصادی کشورهای اروپایی فناوری آموزشی عبارت است: طرح سازمان‌یافته و استقرار یک سیستم فراگیری که از مزایای روش‌های نوین ارتباط جمعی و شیوه‌های جدید تدریس، ابزار و وسایل بصری و سازمان‌بندی کلاس بهره‌گیری می‌کند. بر اساس نتایج این پژوهش به‌روزرسانی اطلاعات یکی از الزامات خرد در فرآیند تحول‌آفرینی نظام آموزش عالی است با توجه به اینکه ضریب مسیر همه بارهای عاملی متغیر به‌روزرسانی اطلاعات بزرگ‌تر از $0/3$ شده‌اند و از طرفی نیز همه ضرایب معناداری بزرگ‌تر از $1/96$ شده‌اند. لذا تحلیل عاملی تأییدی متغیر به‌روزرسانی اطلاعات مورد تأیید قرار می‌گیرد. فلذا توجه من این است که الزام به به‌روزرسانی اطلاعات در نظام آموزشی عالی وجود دارد. نیروی دانشی ماهر: بزرگ‌ترین مزیت رقابتی کشورها و سازمان‌ها، داشتن نیروی انسانی توانمند است. اهمیت سرمایه انسانی در ارتقاء رشد و بهره‌وری یکی از مهم‌ترین موضوعاتی است که مورد توجه صاحب‌نظران علم مدیریت قرار گرفته است. بر این اساس دهه پایانی قرن ۲۰۰۰ را عصر «توانمندسازی سرمایه انسانی» نامیده‌اند. در عصر فرامردن، سرمایه انسانی، بالاترین و بارزترین و بزرگ‌ترین دارایی هر سازمان و کشوری محسوب می‌شود. سرمایه انسانی در هیچ ترازنامه و حساب سود و زیان آورده نمی‌شود؛ ولی نتیجه سود و زیان سازمان‌ها را رقم می‌زند. تنها سرمایه‌ای که با استفاده هر چه بیشتر، کاهش نیافته و به‌صورت فزاینده‌ای تقویت می‌شود. مطالعات متعدد نیز مؤید این واقعیت است که جوامعی توسعه می‌یابند که علاوه بر منابع و ذخایر طبیعی و سرمایه‌های مادی و فیزیکی، از منابع انسانی قابل توجهی برخوردار باشند؛ در واقع در این سال‌ها کشورهایی به رشد بیشتر اقتصادی نائل آمده‌اند که نیروی کار تحصیل کرده، ماهر، باکفایت و در یک کلام از «سرمایه انسانی» کافی و مناسب بهره‌مند بوده‌اند؛ زیرا اولین و مهم‌ترین مؤلفه توسعه در هر کشور انسان است. نیروی انسانی، سهم عمده‌ای در توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و ... دارد. سرمایه انسانی تنها نهاده‌ای است که می‌تواند ضمن تغییر خود، سایر نهاده‌های تولید را دگرگون یا متعادل

کند، مبنایی برای نوآوری فراهم سازد و در سطح وسیع به رشد اقتصادی بیانجامد. امروزه مطالعات اقتصاددانان توسعه نشان می‌دهد که سیاست‌های دولت‌ها، از جمله سرمایه‌گذاری در سرمایه انسانی و مخارج تحقیق و توسعه، نه تنها بر رشد و بهره‌وری اقتصادی، بلکه بر توزیع مناسب درآمد و کاهش نابرابری در اقتصاد کشورها نیز مؤثر بوده است. هدف اصلی این یادداشت، روشن‌تر نمودن مفهوم سرمایه انسانی، اهمیت نظریه سرمایه انسانی در تحلیل‌های اقتصادی است، بررسی تئوری سرمایه انسانی، استراتژی‌های ارتقاء سرمایه انسانی و نقش آن در توسعه است، از این جهت مفهوم سرمایه انسانی، اهمیت و ضرورت سرمایه‌گذاری در سرمایه انسانی بر قالب ارائه آموزش به صورت عمومی و آموزش‌های ضمن خدمت به صورت خاص مورد مطالعه قرار گرفته است. بر اساس نتایج این پژوهش نیروی دانشی ماهر یکی از الزامات خرد در فرآیند تحول‌آفرینی نظام آموزش عالی است با توجه به اینکه ضریب مسیر همه بارهای عاملی متغیر نیروی دانشی ماهر بزرگ‌تر از $0/3$ شده‌اند و از طرفی نیز همه ضرایب معناداری بزرگ‌تر از $1/96$ شده‌اند لذا تحلیل عاملی تأییدی متغیر نیروی دانشی ماهر مورد تأیید قرار می‌گیرد. فلذا توجه من این است که سرمایه‌گذاری در سرمایه انسانی باید برحسب توانایی‌های ذاتی هر فرد، کیفیت مؤسسات آموزشی، در دسترس بودن منابع مالی برای فرد و جامعه و ... صورت گیرد. بازاریابی دانش: دانش یکی از فاکتورهای کلیدی رقابت در اقتصاد جهانی است؛ اما برای حضور موفق در بازار پویای امروز باید بتوان دانش مدیریت را نیز، مدیریت کرد. مدیریت دانش مشتری، این امکان را به سازمان می‌دهد که فرصت‌های موجود در بازار و نیز مزیت رقابتی را افزایش دهد. وجود قابلیت‌های بازاریابی مبتنی بر مدیریت دانش، این امکان را به سازمان می‌دهد تا در بازارهای هدف، بهتر عمل نماید. مدیریت دانش فرایند کشف، کسب، توسعه و اجازه، تسهیم، نگهداری، ارزیابی و به کارگیری دانش مناسب در زمان مناسب و توسط فرد مناسب در سازمان است که از طریق ایجاد پیوند بین منابع انسانی، فناوری اطلاعات و ارتباطات و ایجاد ساختاری مناسب برای دستیابی به اهداف سازمانی صورت می‌پذیرد. بر اساس نتایج این پژوهش بازاریابی دانش یکی از الزامات خرد در فرآیند تحول‌آفرینی نظام آموزش عالی است با توجه به اینکه ضریب مسیر همه بارهای عاملی متغیر بازاریابی دانش بزرگ‌تر از $0/3$ شده‌اند و از طرفی نیز همه ضرایب معناداری بزرگ‌تر از $1/96$ شده‌اند لذا تحلیل عاملی تأییدی متغیر بازاریابی دانش مورد تأیید قرار می‌گیرد. فلذا توجه من این است که دانش را می‌توان در سیستم‌های

به‌هم‌پیوسته در کسب و کارها اعم از هوش تجاری، مدیریت ارتباط با مشتری و ... مشاهده کرد. سازمان‌دهی، انتشار و تصفیه دانش و نیز جمع‌آوری دانش از منابع پراکنده جزء موضوعات مهم در مدیریت دانش بازاریابی هستند. تجاری‌سازی دانش: تبدیل دانشگاه‌های کشور به دانشگاه‌های نسل سوم (کارآفرین) علاوه بر پیامدهای مثبت در زمینه توسعه نوآوری، افزایش رفاه، نشر دانش و فناوری، ایجاد اشتغال و کمک به رشد اقتصاد محلی و فراتر از آن، اقتصاد منطقه‌ای و ملی، می‌تواند به‌عنوان یک منبع و سازوکار درآمدزایی پایدار برای دانشگاه‌ها عمل نماید و از این‌رو دانشگاه‌ها را در رویارویی با چالش کاهش منابع مالی و در نتیجه وابستگی به بودجه‌های دولتی یاری رساند. اصلی‌ترین ویژگی دانشگاه کارآفرین تجاری‌سازی دانش و فناوری است. دانشگاه کارآفرین نظام داخلی خود را برای تجاری‌سازی دانش به‌طور جامع توسعه می‌بخشد و گسترده وسیعی از زیرساخت‌های حمایتی موردنیاز را برای پرورش کارآفرینی در دانشگاه فراهم می‌سازد (حسینی‌نیا و بیات، ۲۰۱۸). تجاری‌سازی دانش در دانشگاه‌ها را مشتمل بر فعالیت‌هایی همانند ثبت دارایی‌های فکری، اعطای مجوز بهره‌برداری و یا واگذاری حق امتیاز، همکاری‌های مشترک تحقیقاتی با شرکت‌ها و ایجاد کسب و کارهای انشعابی معرفی نموده‌اند و اظهار داشته‌اند که فعالیت‌های تجاری‌سازی را نمی‌توان به‌سادگی با ساختار و رویه‌های سنتی و متعارف دانشگاه‌ها تطبیق داد. بر اساس نظر Chang و همکاران (2009) تجاری‌سازی عبارت است از اعضای هیئت‌علمی و محققان دانشگاهی که به دنبال بهره‌برداری از نتایج پژوهش‌های خود از طریق دریافت حق اختراع، واگذاری امتیاز و مشارکت در مالکیت شرکت‌های انشعابی (دانشگاهی) هستند. تجاری‌سازی دانش یک منبع بالقوه درآمد برای دانشگاه و سایر نهادهای تحقیقاتی فراهم ساخته است و منجر به کاهش وابستگی آن‌ها به بودجه‌های دولتی شده است اما این امر تنها زمانی محقق می‌شود که تجاری‌سازی به‌صورت فعالیتی نظام‌مند در دانشگاه‌ها مورد توجه قرار گیرد. بر اساس نتایج این پژوهش تجاری‌سازی دانش یکی از الزامات خرد در فرآیند تحول‌آفرینی نظام آموزش عالی است با توجه به اینکه ضریب مسیر همه بارهای عاملی متغیر تجاری‌سازی دانش بزرگ‌تر از ۰/۳ شده‌اند و از طرفی نیز همه ضرایب معناداری بزرگ‌تر از ۱/۹۶ شده‌اند لذا تحلیل عاملی تأییدی متغیر تجاری‌سازی دانش مورد تأیید قرار می‌گیرد. انتقال دانش: مدیریت دانش از عناصر مختلفی چون تولید دانش، کسب دانش، ذخیره‌سازی دانش و انتقال دانش و به اشتراک گذاری دانش تشکیل شده است که

انتقال دانش بخش مهمی از تصویر بزرگ مدیریت دانش است؛ بنابراین وقتی که بحث انتقال دانش مطرح است تصور بر این است که دانش موردنظر قبلاً تولید و کسب شده است و آماده انتقال به دیگران یا به پایگاه‌های خاص خود جهت بهره‌برداری توسط افراد در آینده است که این انتقال دانش به شیوه‌های مختلف می‌تواند اتفاق بیفتد از جمله فرستادن یا قرار دادن اطلاعات و دانش در محلی با استفاده از شبکه‌های الکترونیکی برای مصرف‌کنندگان احتمالی و بالقوه، به اشتراک‌گذاری دانش با افراد نیازمند احتمالی به صورت غیرالکترونیکی، انتقال دانش به صورت رودررو. در هر صورت می‌توان گفت انتقال دانش عبارت است از حرکت، توزیع و پخش دانش بین افراد و پایگاه‌های دانش مکانیزه و غیرمکانیزه به صورت دوسویه که دو نوع راهبرد برای آن قابل تصور است: راهبرد انتقال فرد به اسناد و راهبرد فرد به فرد. بر اساس نتایج این پژوهش انتقال دانش یکی از الزامات خرد در فرآیند تحول‌آفرینی نظام آموزش عالی است با توجه به اینکه ضریب مسیر همه بارهای عاملی متغیر انتقال دانش بزرگ‌تر از ۰/۳ شده‌اند و از طرفی نیز همه ضرایب معناداری بزرگ‌تر از ۱/۹۶ شده‌اند. لذا تحلیل عاملی تأییدی متغیر انتقال دانش مورد تأیید قرار می‌گیرد. توسعه دانش: در گذشته معمولاً ارزش یک سازمان برحسب سرمایه و دارایی‌های ملموس سنجیده می‌شد، اما در هزاره سوم دانش سازمانی به عنوان مهم‌ترین دارایی سازمانی معرفی می‌گردد. ما از یک سو به دانسته‌هایمان محدودیم و از سوی دیگر به نادانسته‌هایمان. اگر در گذشته تمرکز قدرت و ثروت و عدم توازن آن در جامعه مطرح بود، امروزه تراکم آگاهی و معرفت دانش در یک جا و عدم توازن و ناهموار بودن اطلاعات در یک جامعه و یا سطح جهانی مطرح است، در واقع هزاره سوم هزاره انفجار اطلاعات و عدم توازن معرفت است. از دیدگاه (کاظمیان و کاظمی‌کافی، ۱۳۸۹) مدیریت دانش ترکیب فرآیندهای اداری، کنترل، خلاقیت، کدگذاری، اشاعه و اعمال قدرت دانش در سازمان است و هدف اصلی آن اطمینان از این است که شخص نیازمند، به دانش موردنیاز خود در زمان مقتضی دسترسی می‌یابد؛ به گونه‌ای که توانایی تصمیم‌گیری به موقع و درست برای او ممکن شود. بر اساس نتایج این پژوهش توسعه دانش یکی از الزامات خرد در فرآیند تحول‌آفرینی نظام آموزش عالی است با توجه به اینکه ضریب مسیر همه بارهای عاملی متغیر توسعه دانش بزرگ‌تر از ۰/۳ شده‌اند و از طرفی نیز همه ضرایب معناداری بزرگ‌تر از ۱/۹۶ شده‌اند لذا تحلیل عاملی تأییدی متغیر توسعه دانش مورد تأیید قرار می‌گیرد. فرهنگ‌سازی قوی دانش: استفاده مناسب از فناوری

اطلاعات در فرآیند یاددهی-یادگیری می‌تواند به ارتقای کیفیت تدریس و نیز دستاوردهای یادگیری بینجامد. استفاده از فناوری اطلاعات در کلاس درس حالت‌های مختلفی را شامل می‌شود که می‌توان آن‌ها را بر روی یک طیف قرار داد. به طوری که یک سوی آن به کار بردن پاورپوینت و در سوی دیگر، استفاده از سیستم‌های یادگیری الکترونیکی آمیخته قرار داشته باشد. در این صورت تمام حالت‌های یاد شده ممکن است به بهبود کیفیت تدریس و نیز ارتقای یادگیری بینجامد. نظام آموزش عالی در کشورهای مختلف در اثر روندها و تحولات جهانی در دو دهه اخیر با چالش‌های گوناگونی روبه‌رو شده است، به طوری که نه تنها فرآیند عملیاتی آن‌ها را تحت تأثیر قرار داده، بلکه هدف‌های آن‌ها را نیز متحول کرده است؛ از جمله این روندها می‌توان به جهانی شدن، دانش‌محور شدن اقتصاد و نیز فناوری اطلاعات و ارتباطات اشاره کرد. یکی از چالش‌هایی که آموزش عالی با آن روبه‌روست، کیفیت فرآیند تدریس و یادگیری است. برای غلبه بر این چالش‌ها شیوه‌های متفاوتی وجود دارد که مهم‌ترین آن‌ها شیوه‌ای است که در بیانیه جهانی آموزش عالی در اجلاس جهانی یونسکو در پاریس در سال ۱۹۹۸ بیان شده است. در این اعلامیه آمده است که مؤسسات آموزش عالی باید نخستین نهادهایی باشند که از مزیت‌ها و امکانات بالقوه فناوری اطلاعات و ارتباطات^۱ بهره‌مند شوند و در این خصوص به ایجاد محیط‌های نوین آموزشی برای هماهنگی با عصر اطلاعات و تبیین نظام‌های مجازی بپردازند (منتظر، ۱۳۸۶). فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات محیط‌های یادگیری قدرتمندی را به وجود می‌آورد، موجبات برقراری ارتباطات اجتماعی و روانی و نیز تعامل همکاران و تعامل اعضای هیئت علمی با دانشجویان را برای غلبه بر موانع زمان و فضا فراهم می‌کند و ابزاری قوی برای ایجاد دانش و یادگیری اکتشافی است که فرصت‌هایی را برای یادگیری و دستیابی سریع به اطلاعات و فرهنگ‌های متفاوت ایجاد می‌کند (نامی و همکاران، ۱۳۹۲). بر اساس نتایج این پژوهش فرهنگ‌سازی قوی دانش یکی از الزامات خرد در فرآیند تحول‌آفرینی نظام آموزش عالی است با توجه به اینکه ضریب مسیر همه بارهای عاملی متغیر فرهنگ‌سازی قوی دانش بزرگ‌تر از ۰/۳ شده اند و از طرفی نیز همه ضرایب معناداری بزرگ‌تر از ۱/۹۶ شده‌اند لذا تحلیل عاملی تأییدی متغیر فرهنگ‌سازی قوی دانش مورد تأیید قرار می‌گیرد. ارزش آفرینی دانش: نهادینه کردن مبانی علم با تحقیق و پژوهش وابستگی مستقیم دارد چرا که تحقیق و پژوهش کلید اطلاعات است و اطلاعات ضامن توسعه و پیشرفت پایدار به حساب می‌آید و دستیابی به شاخص‌های

1. Information and Communication Technology (ICT)

توسعه امروز بدون تحقیق و توسعه سرابی بیش نیست. به همین خاطر توجه ویژه به تحقیق و توسعه ضامن پیشرفت در عرصه‌های اقتصادی، اجتماعی، فنی و ... محسوب می‌گردد و تحقق اهداف در زمینه‌های مذکور هنگامی امکان‌پذیر است که توأم با پیشرفت مداوم تحقیقات و در نتیجه دستیابی به تکنولوژی‌های جدید باشد، چراکه هر توسعه‌ای با اتکا به ارتقاء سطح تکنولوژی امکان‌پذیر است و تکنولوژی به مجموعه‌ای از عوامل سخت‌افزاری یا تجهیزات، توانایی‌ها و مهارت‌های انسانی، دانش فنی و توانایی‌های مدیریتی و سازمان‌دهی است. بر اساس نتایج این پژوهش ارزش‌آفرینی دانش یکی از الزامات خرد در فرآیند تحول‌آفرینی نظام آموزش عالی است با توجه به اینکه ضریب مسیر همه بارهای عاملی متغیر ارزش‌آفرینی دانش بزرگ‌تر از ۰/۳ شده‌اند و از طرفی نیز همه ضرایب معناداری بزرگ‌تر از ۱/۹۶ شده‌اند لذا تحلیل عاملی تأییدی متغیر ارزش‌آفرینی دانش مورد تأیید قرار می‌گیرد. تقویت فرهنگ‌پذیری دانش: فرهنگ‌پذیری در علوم اجتماعی به فرآیند فراگیری فرهنگ جامعه دیگر گفته می‌شود. این فرآیند در نتیجه تماس‌های اساسی میان دو یا چند گروه شکل می‌گیرد. فرهنگ‌پذیری پدیده‌ای است اختیاری که در قالب مبادله فرهنگی میان جوامع، فرهنگ مادی و معنوی را انتقال داده؛ و از سویی پدیده‌ای تحمیلی و اجباری است که در قالب استعمار به فرهنگ و شیوه انتقال فرهنگ زندگی غربی پرداخته است. این فرآیند به صورت خط مداوم و پیوستار به صورت دوطرفه و یا یک‌طرفه تا به امروز میان حوزه‌های فرهنگی دامنه خود را گسترش داده؛ و همراه با تماس‌های متقابل در قالب اشاعه و انتقال فرهنگی در قالب جهانی‌شدن و توسعه‌یافتگی به تغییر شیوه زندگی جوامع پرداخته است؛ و به نوعی وحدت و هماهنگی سایر حوزه‌ها را با فرهنگ موردنظر غرب ایجاد کرده است. بر اساس نتایج این پژوهش تقویت فرهنگ‌پذیری دانش یکی از الزامات خرد در فرآیند تحول‌آفرینی نظام آموزش عالی است با توجه به اینکه ضریب مسیر همه بارهای عاملی متغیر تقویت فرهنگ‌پذیری دانش بزرگ‌تر از ۰/۳ شده‌اند و از طرفی نیز همه ضرایب معناداری بزرگ‌تر از ۱/۹۶ شده‌اند لذا تحلیل عاملی تأییدی متغیر تقویت فرهنگ‌پذیری دانش مورد تأیید قرار می‌گیرد. پژوهش محوری: گرایش به یادگیری قابل انعطاف که مهارت‌های فرآیند علمی را در فراگیران ایجاد می‌کند یادگیری پژوهش‌محور است. فراگیران در یادگیری پژوهش‌محور به پژوهش، توصیف اشیاء و رویدادها و سؤال پرسیدن، ساخت تبیین‌ها، آزمون تبیین‌ها بر اساس دانش موجود و به اشتراک گذاشتن ایده‌های خود با دیگران تشویق می‌

شوند. فرضیات را خود شناسایی می‌کنند و از تفکر انتقادی و استدلال استفاده می‌کنند. در این روش فراگیران به‌طور فعال دانش خود را توسعه می‌دهند و به این صورت، علم خود را از طریق ترکیب با دانش علمی موجود، استدلال و مهارت‌های تفکر به دست می‌آورند (Simsek & Kabapinar, 2010). اقدام پژوهی، درس پژوهی و روایت پژوهی از جمله مهم‌ترین روش‌های پژوهش محور هستند که برای توسعه دانش و آگاهی درباره ماهیت تعلیم و تربیت، موضوع درسی و تدریس می‌توانند در دانشگاه به‌منظور تربیت نیروی انسانی پژوهشگر به کار گرفته شوند. بر اساس نتایج این پژوهش، پژوهش محوری یکی از الزامات خرد در فرآیند تحول‌آفرینی نظام آموزش عالی است با توجه به اینکه ضریب مسیر همه بارهای عاملی متغیر پژوهش محوری بزرگ‌تر از $0/3$ شده‌اند و از طرفی نیز همه ضرایب معناداری بزرگ‌تر از $1/96$ شده‌اند لذا تحلیل عاملی تأییدی متغیر پژوهش محوری مورد تأیید قرار می‌گیرد. رقابت علمی: مراکز آموزش عالی کشور همواره درصدد کسب مزیت رقابتی از طریق ایجاد و تقویت عوامل مؤثر بر این امر هستند. در این میان بسیاری از این مراکز، در کنار آموزش همیشگی خود آموزشی تحت عنوان آموزش مجازی را نیز به چارچوب آموزشی خود اضافه کرده‌اند. همچنین مؤسسات آموزشی جدیدی تأسیس شده‌اند که تنها آموزش را به‌صورت مجازی ارائه می‌دهند مزیت رقابتی که همان واکنش سریع نسبت به شرایط و تغییرات است همواره مورد توجه سازمان‌ها بوده و است که یکی از این سازمان‌ها دانشگاه‌ها هستند که برای به دست آوردن سهم بیشتری از بازار در حال رقابت هستند. بر اساس نتایج این پژوهش رقابت علمی یکی از الزامات خرد در فرآیند تحول‌آفرینی نظام آموزش عالی است با توجه به اینکه ضریب مسیر همه بارهای عاملی متغیر رقابت علمی بزرگ‌تر از $0/3$ شده‌اند و از طرفی نیز همه ضرایب معناداری بزرگ‌تر از $1/96$ شده‌اند لذا تحلیل عاملی تأییدی متغیر رقابت علمی مورد تأیید قرار می‌گیرد. مفهوم‌سازی دانش: مراکز آموزشی و دانشگاه‌ها از جمله نهادهای پویا و پیچیده می‌باشند که اگر هر رویکرد و مطالعه ای این نهادها را موضوع مورد مطالعه خود قرار دهد از پویایی و پیچیدگی بیشتر برخوردار است. علاوه بر اهمیت و پیچیده بودن نگاه به دانشگاه، نوع مدیریت و الگوهای برنامه‌ریزی برای دانشگاه، ارتقای دانش سازمانی و یادگیری نیز متفاوت خواهد بود. بر اساس نتایج این پژوهش مفهوم‌سازی دانش یکی از الزامات خرد در فرآیند تحول‌آفرینی نظام آموزش عالی است با توجه به اینکه ضریب مسیر همه بارهای عاملی متغیر مفهوم‌سازی دانش بزرگ‌تر از

۰/۳ شده‌اند و از طرفی نیز همه ضرایب معناداری بزرگ‌تر از ۱/۹۶ شده‌اند لذا تحلیل عاملی تأییدی متغیر مفهوم‌سازی دانش مورد تأیید قرار می‌گیرد. تشویق علمی: با ترویج کارآفرینی می‌توان دانشجویان را به خلق ایده‌های مناسب تشویق کرد. مراکز آموزش عالی این وظیفه را عهده‌دار شده‌اند تا کارآفرینی را آموزش و دانشجویان را کارآفرین بار آورند اما مشکلاتی همچون عدم فرهنگ‌سازی و نبود بسترهای مناسب موجب شد تا کارآفرینی با استقبال لازم روبه‌رو نشود. در گذشته تنها یک مأموریت برای دانشگاه‌ها تعریف شد و آن آموزش بود، سپس مأموریت دوم یعنی پژوهش نیز به آن اضافه و در چند سال گذشته به دانشگاه‌ها مأموریت سوم یعنی کارآفرینی داده شده که بر اساس آن دانشگاه‌ها این تفکر را در قالب‌هایی همچون مراکز کارآفرینی اجرا کنند و دانشجویانی تربیت شوند که در بستر دانشگاه یا جامعه به کارآفرینی بپردازند. باید در دانشگاه‌ها بستری ایجاد شود که در آن تجارت شکل گیرد و مکان و تسهیلات حمایتی لازم نیز در اختیار کارآفرینان قرار گیرد این بستر که همان مراکز رشد بودند در دانشگاه‌ها شروع به راه‌اندازی شد و دانشگاه اصفهان نیز در سال ۱۳۹۰ این مرکز را تأسیس کرد. برای تشویق دانشجویان به ایده‌های مناسب، دعوت از کارآفرینان برتر، برگزاری همایش‌ها و کلاس‌ها و طراحی مسابقات از جمله فعالیت‌های مرکز کارآفرینی طی سال‌های گذشته بوده است؛ و برای حمایت بیشتر از کارآفرینان باید مراکز رشد و پارک‌های علم و فناوری تقویت و شناخته شوند و تسهیلات بیشتری نیز در اختیار افراد قرار گیرد. بر اساس نتایج این پژوهش تشویق علمی یکی از الزامات خرد در فرآیند تحول‌آفرینی نظام آموزش عالی است با توجه به اینکه ضریب مسیر همه بارهای عاملی متغیر تشویق علمی بزرگ‌تر از ۰/۳ شده‌اند و از طرفی نیز همه ضرایب معناداری بزرگ‌تر از ۱/۹۶ شده‌اند لذا تحلیل عاملی تأییدی متغیر تشویق علمی مورد تأیید قرار می‌گیرد. کیفیت خدمات دانشی: منظور از کیفیت خدمات دانشی بهبود ساختارهای اداری، اجتماعی در جامعه، کیفیت عوامل آموزشی، سیاست علمی مشخص، اصلاح چارت‌های نظام درسی، تسهیل ارتباطات بین متفکران و غیره است. بر اساس نتایج این پژوهش کیفیت خدمات دانشی یکی از الزامات خرد در فرآیند تحول‌آفرینی نظام آموزش عالی است با توجه به اینکه ضریب مسیر همه بارهای عاملی متغیر کیفیت خدمات دانشی بزرگ‌تر از ۰/۳ شده‌اند و از طرفی نیز همه ضرایب معناداری بزرگ‌تر از ۱/۹۶ شده‌اند لذا تحلیل عاملی تأییدی متغیر کیفیت خدمات دانشی مورد تأیید قرار می‌گیرد. حمایت دانشی: منظور از حمایت دانشی خدمات

مشاوره رایگان و غیره است. خدمات مشاوره شامل آشنایی با اصول برنامه‌ریزی درسی صحیح و علمی، ارائه بسته تخصصی برنامه‌ریزی تحصیلی و علمی و تقویم انگیزشی، ارسال پیام‌های کوتاه آموزشی به والدین در خصوص مسائل تحصیلی و کمک‌رسانی به دانشجویان بی‌علاقه به رشته تحصیلی است. بر اساس نتایج این پژوهش حمایت دانشی یکی از الزامات خرد در فرآیند تحول‌آفرینی نظام آموزش عالی است با توجه به اینکه ضریب مسیر همه بارهای عاملی متغیر حمایت دانشی بزرگ‌تر از $0/3$ شده‌اند و از طرفی نیز همه ضرایب معناداری بزرگ‌تر از $1/96$ شده‌اند لذا تحلیل عاملی تأییدی متغیر حمایت دانشی مورد تأیید قرار می‌گیرد.

به‌طور کلی می‌توان گفت، علوم انسانی مغز افزار مدیریت کشور است، هیچ کشوری نمی‌تواند بدون علوم انسانی خود را اداره کند، متخصصین علوم انسانی هستند که در رشته‌های مختلف بسیاری از طراحی‌ها و بسیاری از عملیات‌های اجرایی را بر عهده دارند و در زمینه‌های مختلف باید ایفای نقش داشته باشند اما متأسفانه در کشور ما علوم انسانی قدر و منزلت خودش را پیدا نکرده است. تا بیدار نشویم تا علوم انسانی متحول نشود و اولویت یک کشور نشود و کشور توسط پزشکان و مهندسان و متخصصین علوم سیاسی و حقوق و مدیران تربیت شده مکتب غربی اداره شود کشور اصلاح نخواهد شد. تا زمانی که در کشور ما علوم انسانی درجه ۳ است و تفکر غالب این است که تنبل‌ها به علوم انسانی می‌روند و پزشکی و علوم مهندسی رتبه ۱ است نتیجه، مشکلات کنونی جامعه است. وقتی در کشور فیلسوف، نظریه پرداز، اقتصاددان، سیاست‌مدار و مدیر برجسته نباشد و منابع درسی دانشکده‌های علوم انسانی غربی باشد و متفکر و اندیشمند و متخصص و نظریه‌پرداز جهادی و انقلابی و اسلامی تربیت نشود حاصل همین است که می‌بینیم. وقتی در هاروارد، دانشگاه رتبه ۱ جهان، علوم انسانی و سیاسی و اقتصاد را اولویت بدانند و رئیس‌جمهور و مدیر تربیت کنند و در ایران بجای بر کرسی نشستن متخصصین برجسته و تحول‌گرا و نظریه‌پرداز انقلابی و متعهد و پاک‌دست مدیریت و اقتصاد و سیاست، پزشکان و مهندسين وزیر و وکیل شوند وضع همین خواهد بود. از این رو ورود جدی به تحول در علوم انسانی، کاربردی و بومی‌سازی آن‌ها، از الزامات اقدامات حوزه و دانشگاه و سایر مراکز تولید اندیشه، محسوب می‌شود. همچنین ضرورت تحول در علوم انسانی چند سالی است که مورد توجه مقام معظم رهبری و بسیاری از کارشناسان است. اهمیت این موضوع به حدی است که آن را باید نخستین و مهم‌ترین گام

در راستای کارآمدسازی جامعه دانشگاهی کشور دانست. حتی اهمیت این موضوع تا آنجاست که می‌توان سرنوشت آینده کشور را در گرو تحقق آن دانست. این مهم حاصل نمی‌شود مگر با تدوین نقشه راه تحول علوم انسانی که فرایند و مسیر تولید علوم انسانی از ابتدا تا گام‌های نهایی را در قالب یک الگوی اجرایی معین نماید؛ و از سوی دیگر وظایف و مأموریت‌های مراکز پژوهشی و دانشگاهی مختلف و همچنین نهادهای سیاست‌گذار و مؤثر در این حوزه را تعیین نماید. یکی دیگر از راهکارهای تحقق این مهم، برپایی کرسی‌های آزاداندیشی، حول نقشه راهی کلان و جامع است. خوشبختانه با پیگیری‌های رهبر معظم انقلاب، حرکت‌های رو به رشدی در این زمینه شاهد بوده‌ایم. ایجاد تحول در علوم انسانی بر مبنای چهار ویژگی روزآمدی، غنی‌سازی، بومی‌سازی و درعین‌حال ارزش‌مداری تشکیل می‌شود، روزآمدی به این معنا است که بینیم این علوم متعلق به چند سال پیش است و قابل تدریس هستند یا خیر، غنی‌سازی به معنای این است که آیا تا به حال درباره این علوم نظرات جدیدی مطرح است یا نه، بومی‌سازی هم یعنی این علوم در جامعه ما چه کاربردی دارد و ارزش‌مداری بدین معنا است که آیا این علوم با دین مبین اسلام سازگاری دارد یا خیر. با توجه به اینکه نتایج این تحقیق به پنج بخش کلان سرمایه‌ای، توسعه‌ای، فرهنگی، محیطی و انگیزشی اشاره داشته است. نشان‌دهنده اهمیت تحول‌آفرینی است و موفقیت آن‌ها بستگی به شرایط زیادی دارد. در واقع علاوه بر اهمیت فرآیند تحول‌آفرینی زیرساخت‌های آن‌ها نیز باید در نظر گرفته شوند. بر اساس این یافته پژوهش آزاداندیشی یکی از الزامات خرد در فرآیند تحول‌آفرینی است توصیه می‌شود که راه‌اندازی کرسی‌های آزاداندیشی در دانشگاه‌ها مفهوم پیدا کند که دانشجویان آزادانه و بدون ترس بتوانند عقاید و دیدگاه‌های خود را در موضوعات مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و غیره مطرح نمایند و این احساس امنیت را داشته باشند که بعد از ابراز عقاید امنیت آن‌ها به خطر نخواهد افتاد. بر اساس این یافته پژوهش بروز رسانی اطلاعات یکی از الزامات خرد در فرآیند تحول‌آفرینی است توصیه می‌شود که مراکز آموزش عالی با امکانات و ابزارهای موردنیاز جهت گسترش فناوری اطلاعات تجهیز شوند، برای تغییر ساختار آموزش از فناوری اطلاعات بهره‌گیری بهینه شود، برای ایجاد فرصت‌های یادگیری و تحصیل برای همه افراد جامعه از فناوری اطلاعات استفاده شود. بر اساس این یافته پژوهش نیروی دانشی ماهر یکی از الزامات خرد در فرآیند تحول‌آفرینی است توصیه می‌شود که از نیروی کار تحصیل‌کرده، ماهر، باکفایت و در

یک کلام از سرمایه انسانی کافی و مناسب استفاده شود زیرا اولین و مهم‌ترین مؤلفه توسعه در هر کشور انسان است. نیروی انسانی سهم عمده‌ای در توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و غیره دارد. بر اساس این یافته پژوهش بازاریابی دانش یکی از الزامات خرد در فرآیند تحول‌آفرینی است توصیه می‌شود که مدیریت دانش در راستای دستیابی به منابع نوین دانشی، تئوری‌های نوینی همچون مدیریت دانش جامعه‌گرا را که هدف آن دستیابی به منابع عظیم دانش مشتریان است، مورد توجه جدی قرار دهد. بر اساس این یافته پژوهش تجاری‌سازی دانش یکی از الزامات خرد در فرآیند تحول‌آفرینی است توصیه می‌شود که دانشگاه‌ها در مسیر کارآفرینی قرار بگیرند و بتوانند با تجاری‌سازی دانش و فناوری برخی از نیازهای خود را برطرف نموده و به روند توسعه اقتصادی و اجتماعی جوامع کمک نمایند. بر اساس این یافته پژوهش انتقال دانش یکی از الزامات خرد در فرآیند تحول‌آفرینی است توصیه می‌شود که دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی با بهره‌گیری از سازوکارهای مناسب مدیریت دانش، نقش مؤثرتری در انتقال دانش فراملی ایفا نمایند. فرآیند انتقال دانش بین دانشگاهی در سطح ملی و فراملی به صورت ساخت یافته و ساخت نیافته، متضمن پرداختن به سه سازه اصلی نوع دانش، سازوکارهای انتقال دانش و پویایی‌های بین‌دانشگاهی است. بر اساس این یافته پژوهش توسعه دانش یکی از الزامات خرد در فرآیند تحول‌آفرینی است توصیه می‌شود که نظام ساختارمندی برای مدیریت دانش طراحی گردد تا بتوان محیط مناسبی برای یادگیری، تبادل اندیشه و خلاقیت به وجود آورد زیرا با خرید دانش یا با استفاده از آن نمی‌توان به توسعه دانش کمک کرد. بر اساس این یافته پژوهش فرهنگ‌سازی قوی دانش یکی از الزامات خرد در فرآیند تحول‌آفرینی است توصیه می‌شود که معاونت فرهنگی دانشگاه با تشکیل جلسات متعدد در زمینه تدوین برنامه‌های استراتژیک در مقوله‌های فرهنگی در قالب برنامه‌های استراتژیک و راهبردی نسبت به تنظیم و طراحی این برنامه‌ها گام مؤثری بردارد. بر اساس این یافته پژوهش ارزش‌آفرینی دانش یکی از الزامات خرد در فرآیند تحول‌آفرینی است توصیه می‌شود برای دستیابی به تکنولوژی‌های جدید توجه ویژه‌ای به ارزش‌آفرینی دانش در تحقیق و توسعه شود زیرا تحقق اهداف در عرصه‌های اقتصادی، اجتماعی، فنی و غیره هنگامی امکان‌پذیر است که توأم با پیشرفت مداوم تحقیقات باشد چراکه هر توسعه‌ای با اتکا به ارتقاء سطح تکنولوژی امکان‌پذیر است. بر اساس این یافته پژوهش تقویت فرهنگ پذیری دانش یکی از الزامات خرد در فرآیند تحول‌آفرینی است توصیه می‌شود که سیستم

تربیتی و نظام آموزشی کشور باید به نحوی برنامه‌ریزی شده و تدوین گردد که به فهم فرآیند فرهنگ‌پذیری دانش جامعه کمک کند و اهمیت و ارزش آن را برای دانشجویان روشن سازد تا آنجا که توسعه و ارتقای ارزش‌ها و پیشرفت میراث فرهنگی از عمده وظایف بعدی نظام‌های آموزشی در این حیطه است. بر اساس این یافته پژوهش پژوهش‌محوری یکی از الزامات خرد در فرآیند تحول‌آفرینی است توصیه می‌شود که دانشگاه‌ها به منظور پیاده‌سازی رویکرد پژوهش‌محوری در دانشگاه به ظرفیت‌سازی پژوهشی، ایجاد ارتباط مولد بین پژوهش و آموزش، بسترسازی آموزش و پژوهش بین‌رشته‌ای و تقویت زیرساخت‌های فناوری و ارتباطات مبادرت ورزند. بر اساس این یافته پژوهش رقابت علمی یکی از الزامات خرد در فرآیند تحول‌آفرینی است توصیه می‌شود که رقابت‌های علمی برای یافتن بهترین راه‌حل‌های علمی به منظور حل مشکلات جامعه با اهداف استفاده از ظرفیت‌های جامعه متخصصین، تهیه انباشتی از آثار علمی، ارتقای سطح انگیزش و خلاقیت نخبگان جوان، بسترسازی جهت شناسایی و تبادل ایده‌های علمی و فناورانه و استمرار هدفمند تعامل محققان برگزار شود. بر اساس این یافته پژوهش مفهوم‌سازی دانش یکی از الزامات خرد در فرآیند تحول‌آفرینی است توصیه می‌شود که اعضای هیئت علمی به عنوان کنشگران اصلی برای نشان دادن تمایل خود به مفهوم‌سازی دانش با همکاران به اتخاذ راهبردهایی از جمله تعاملات فردی، نوشتاری و شبکه ساز روی آورند. بر اساس این یافته پژوهش تشویق علمی یکی از الزامات خرد در فرآیند تحول‌آفرینی است توصیه می‌شود که دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی در راستای تشویق علمی سامانه تشویق مقالات راه‌اندازی کنند این سامانه می‌تواند عملکرد کاربران را مدیریت کرده و در جهت ارتقای کیفی دانشگاه گام بردارد و از نوشتن و ارسال مقالات با منابع نامعتبر جلوگیری کند. چون که مقالات یکی از مهم‌ترین فاکتورهایی است که دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی در خصوص فرآیند علم‌سنجی، ارتقاء دانشگاه و سایر زیرسیستم‌های آموزشی و پژوهشی از آن‌ها استفاده کنند. بر اساس این یافته پژوهش کیفیت خدمات دانشی یکی از الزامات خرد در فرآیند تحول‌آفرینی است توصیه می‌شود که ساختارهای اداری، اجتماعی و عوامل آموزشی در جامعه بهبود یابند، سیاست علمی مشخص شود، چارت‌های نظام درسی اصلاح شوند و ارتباطات بین متفکران و غیره تسهیل یابد. بر اساس این یافته پژوهش حمایت دانشی یکی از الزامات خرد در فرآیند تحول‌آفرینی است توصیه می‌شود که خدمات مشاوره رایگان در تمام مقاطع تحصیلات عالی وجود داشته باشد.

منابع

- حاجی‌زاده، ابراهیم و اصغری، محمد. (۱۳۹۰). *روش‌ها و تحلیل‌های آماری با نگاه به روش تحقیق در علوم زیستی و بهداشتی*، چاپ اول. تهران: جهاد دانشگاهی.
- سلیمی کوچی، ابراهیم. (۱۳۹۲). *تحول در علوم انسانی موجود و مزیت‌های فرآیندنگری*، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. مهندسی فرهنگی، ۷(۷۶)، ۱۳۴-۱۴۵.
- شاه‌آبادی، محمدمهدی و پورعزت، اصغر. (۲۰۰۰). *کاربست رویکرد میان‌رشته‌ای در مسئله تحول علوم انسانی: بازخوانی تاریخ نهضت ترجمه در تمدن اسلامی در زمینه خط‌مشی‌گذاری عمومی. فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی*، ۸(۳)، ۱-۳۷.
- شریف، شبگو و منصف، سید محمود. (۱۳۹۰). *مهندسی مجدد نگرش در نظام آموزش عالی. ابتکار و خلاقیت در علوم انسانی*، ۱(۲)، ۱-۲۸.
- شریف‌زاده، فتاح. (۱۳۹۰). *ضرورت بازشناسی نظام آموزش عالی و نقش آن در توسعه علمی و اجتماعی کشور: پژوهشی درباره دوره کارشناسی رشته مدیریت دولتی دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی کشور. جامعه‌پژوهی فرهنگی*، ۲(۱)، ۷۹-۱۱۲.
- علیزاده، ندا، صدیقی، حسن، پزشکی راد، غلامرضا و فراستخواه، مقصود. (۲۰۱۵). *نقش مؤلفه‌های تأثیرگذار بر تحول آفرینی در نظام آموزش عالی کشاورزی ایران. پژوهش مدیریت آموزش کشاورزی*، ۷(۳۳)، ۱۲۲-۱۳۶.
- منتظر، غلامعلی. (۱۳۸۶). *مطالعات راهبردی توسعه اطلاعاتی نظام آموزش عالی در ایران. مجله پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی*، ۱۳(۴۳)، ۱-۲۶.
- مهر محمدی محمود، فراستخواه، مقصود، باقری، خسرو، فاضلی، نعمت‌الله، موسی پور، نعمت‌الله، عطاران، محمد، حاتمی، جواد. (۱۳۹۰). *راهبردهای مطلوب برای آموزش علوم انسانی در دانشگاه‌های کشور. مجله آموزش عالی ایران*، ۴(۱)، ۸۵-۱۲۸.
- یزدانی کاشانی، زینب و تمنایی‌فر، محمدرضا. (۱۳۹۰). *کاربرد فناوری اطلاعات و ارتباطات (فاوا) در آموزش عالی: راهکاری برای توسعه کیفی. علوم تربیتی: مطالعات برنامه‌درسی آموزش عالی*، ۳، ۱۳۹-۱۵۸.

References

- Brennan, J., King, R., & Lebeau, Y. (2004). The role of universities in the transformation of societies. Synthesis Report. Centre for Higher Education Research and Information/Association of Commonwealth Universities, UK.
- Marginson, S. (2018). Higher education, economic inequality and social mobility: Implications for emerging East Asia. *International Journal of Educational Development*, 63, 4-11.

- Pincus, K. V., Stout, D. E., Sorensen, J. E., Stocks, K. D., & Lawson, R. A. (2017). Forces for change in higher education and implications for the accounting academy. *Journal of Accounting Education*, 40, 1-18.
- Shultz, K. S., Whitney, D. J., & Zickar, M. J. (2020). *Measurement theory in action: Case studies and exercises*. Routledge.
- Şimşek, P., & Kabapınar, F. (2010). The effects of inquiry-based learning on elementary students' conceptual understanding of matter, scientific process skills and science attitudes. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 2(2), 1190-1194



استناد به این مقاله: چوبتاشانی، سعادت، یاسینی، علی و طولابی، زینب. (۱۴۰۱). عوامل مؤثر بر تحول آفرینی نظام آموزش عالی ایران در حوزه آموزش علوم انسانی. فصلنامه پژوهش‌های رهبری و مدیریت آموزشی، ۶(۲۱)، ۷-۳۷. doi: 10.22054/jrlat.2022.14035



Quarterly of Research on Educational Leadership and Management is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.